



<http://www.arianaafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۷/۱۷



م. اسحاق نگارگر

حافظا؛ می خور و رندی کن و خوش باش ولی دام تزویر مکن چون دگران قُرآن را

قُرآن کریم را نباید وسیله استفاده و اغفال سیاسی ساخت!

من کاری با کودتای ناکام ترکیه ندارم و به سود و زیان یکی از دو طرف قضیه حکم صادر نمی کنم زیرا که من بر سیاست و سیاستمداران اعتماد ندارم و میدانم که در سیر تاریخ پادشاهان مستبد به شیوه های مختلف از دین استفاده های کریه سیاسی کرده اند و بر محبان دیروز که بنا بر علتی با آنان مخالف شده اند تاپه ضد دین و اعتقاد دینی زده سر شان را زیر بال شان نموده اند و از این گونه رویداد ها در تاریخ نمونه های فراوان داریم. بیچاره جعفر برمکی را به یاد بیاوریم که چه اندازه به هارون الرشید نزدیک است تا بدانجا که خواهر خود را همسر جعفر می سازد ولی روزی از نفوذ برمکیان در دستگاه سلطنت خود هراسان می شود و دوست خود را به دست جلا می سپارد. از آن بگذریم و داستان بر دار شدن حسنک وزیر را به یاد بیاوریم. بیهقی در این مورد ذکر میکند که مسعود در این مورد با وزیر پدر خود که وزیر او نیز است یعنی خواجه احمد بن حسن میمندی مصلحت میکند و آن خواجه قضاوت پدر مسعود یعنی سلطان محمود را برایش یاد آوری می کند و می گوید: و امیر ماضی چنانکه لجوجی و ضجرت وی بود یک روز گفت: «بدین خلیفه خرف شده نباید نبشت که من از بهر عباسیان انگشت در کرده ام در همه جهان و قرمطی می جویم و آنچه یافته آید و دُرست گردد بر دار می کشند؛ و اگر مرا دُرست شدی که حسنک قرمطی است خبر به امیرالمومنین رسیدی که در باب وی چه رفتی. وی را من پرورده ام و با فرزندان و برادران من برابر است و اگر وی قرمطی باشد من هم قرمطی باشم.



اما بو سهل زوزنی که به اصطلاح دو پا را در یک موزه کرده است تا حسنک وزیر را بردار بزند با اصرار از مسعود تقاضا می کند و مسعود می گوید: حجتی و عذری باید گشتن این مرد را بوسهل مگوید: حجت بزرگتر که مرد قرمطی است و خلعت مصریان استندتا امیرالمومنین القادر بالله را بیازارد. و آنگاه حسنک وزی را به نام قرمطی بر دار می زنند.

من و قتی جناب اردوغان را دیدم که قرآن را به مردم نشان میدهد از این ریاکاری سخت تکان خوردم و بدین فکر افتادم که وی با توسل به قرآن کریم می خواهد به مردم بگوید: به همین قرآن سوگند که من راست می گویم و دشمن من یعنی فتح الله گیولن ضد دین و در خدمت امریکا و اسرائیل است و حال آنکه آن ملا یا تاجر بیچاره روزگاری

دوست گرمابه و گلستان جناب اردو غان بوده است و او هم دانشمند مسلمان است که عمری اسلام را تبلیغ کرده و در باره اسلام کتاب ها نوشته است.

من همان طور که در بالا گفته ام و قبلاً در یک مورد دیگر نوشته ام کودتا را نوعی دزدی قدرت می دانم و با هر گونه کودتا و حتی کودتا های انقلابی از نظر پرنسیپ مخالف استم ولی در عین زمان رژیم جناب اردوغان را نیز بره معصوم عیسی نمی دانم و احساس میکنم که دوامدار بر سر قدرت ماندن دو احساس کاذب در اشخاص ایجاد می کند یکی اینکه جامعه جز "من" مردی دیگر ندارد که خیرش را بخواهد دوم اینکه هرکس با شیوه رهبری من مخالف است بدون شک با خدا و دین خدا نیز مخالف است و همین است که من آنرا استفاده ریاکارانه از دین می دانم و اگر این شیوه دوام کند و جناب اردوغان با افسران و سربازان درگیر کودتا با ارفاق و خودداری از کینه و نفرت پیشامد نکند باید منتظر کودتا های دیگر نیز باشد زیرا که او فرد است و فرد نباید جامعه را متکی بر خود بسازد که فرد می میرد و جامعه متکی بر فرد مانند یتیم بی سرپرست باقی می ماند. این حکمت را بهتر است از امریکایی ها بیاموزیم که رؤسای جمهور شان بیش از دو دوره نمی توانند فرمانروایی کنند ولی ما اگر رهبر حزب بر می گزینیم برای همه عمر است و زمامداران ما نیز تا وقتی عزرائیل گریبان شان را نگیرد از قدرت کنار نمی روند. والله اعلم بالصواب.

روز یک شنبه ۱۷ جولای ۲۰۱۶ برمنگهم نگارگر

